

## عوامل داخلی مهاجرت های اخیر افغان ها

**مقدمه:** مهاجرت پدیده ای طبیعی است، که از بدو خلقت انسان در ادوار گوناگون تاریخ بشری وجود داشته، در عصر کنونی هم در بین ملل مختلف جهان مهاجرت جریان دارد، و در آینده نیز مهاجرت در جوامع انسانی وجود خواهد داشت.



اگر به سیر تکامل تاریخ بشری نظر اندازیم، در خواهیم یافت که در بسا اوقات مهاجرت اساس تمدن های بزرگ بشری گذاشته اند. بطور مثال آریایی های که از مهد اولیه خود یعنی آریانا و یجه (بین سیر دریا و آمو دریا) به طرف جنوب دریای آمو مهاجرت نمودند، اساس تمدن آریانا قدیم و مرکز آن شهر بخدی (بلخ) را گذاشتند و از اثر مهاجرت تاریخی آریایی ها، از بخدی به دو طرف غرب و شرق

دو مدنیت دیگر یعنی مدنیت پارس و هند بوجود آمدند. هم چنان عده از مورخین اسلام، هجرت پیامبر و یارانش را از مکه به مدینه نقطه آغاز شکوفایی تمدن اسلامی میدانند، که زمینه ساز وحدت بین مهاجرین و انصار و تقویت مسلمانان شد. در پشرفت و تکامل تمدن غرب که امروز ادعای تمدن برتر در جهان را دارد نیز مهاجرت ها و ماجراجویی های مردمان این قاره نقش داشته، چنانچه آمریکا که قدرتمند ترین و متمدن ترین کشور جهان است زاده مهاجرت اروپائیان است. به عقیده برخی مورخین در پس هر مدنیت مهاجرت خوابیده است. به نظر نویسنده مهاجرت در نزدیک شدن فرهنگ ها و اكمال تمدن ها کمک میکند.

به هر صورت امروزه مسئله مهاجرت به صورت یک پدیده جهانی و فراگیر تبدیل شده که افرادی زیادی به دلایل و علل های مختلف بدان رو آورده اند. درین مقاله به عمده ترین عوامل داخلی ترغیب کننده مهاجرت افغان ها پرداخته شده است.

**عوامل داخلی مهاجرت:** عوامل داخلی مهاجرت به پنج دسته عمده تقسیم می شود که عبارت از عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل امنیتی و سایر عوامل.

**عوامل سیاسی:** بی ثباتی سیاسی یکی از مهمترین عوامل دل سردی مردم، از کشور و باعث مهاجرت های غیرقانونی افغان ها گر دیده است که در اینجا به طور مختصر اوضاع سیاسی، بی ثباتی های سیاسی و خلاء قدرت در افغانستان را بررسی مینمایم.

عده از مورخین بر این باور اند، که در طول تاریخ افغانستان، برای طولانی مدت از ثبات سیاسی برخوردار نبوده بلکه در این سرزمین پادشاه گردشی مروج، و انتقال قدرت سیاسی اکثرا توام با زور و حذف کامل رقیب همراه بوده است.

**ثبات سیاسی کشور از 1747 الی 1978:** احمدشاه بابا وحدت سیاسی و جغرافیای آریانای باستان و خراسان را باز احیا کرده و کشور را به سرحدات طبیعی اش (سند، آمو و بحر هند) رساند و نام این سرزمین از خراسان به افغانستان تغییر داد، بعد

از مرگ احمدشاه بابا هیچ اقدامی در توسعه سیاسی، ملت سازی، رفا و آسایش مردم صورت نگرفت بلکه بنابر ضعف اداره زمامداران خانه جنگی و نفاق بین شهزادگان درانی و همچنان دشمنی و نفاق بین سدوزایی ها و محمد زایی بر سر قدرت به اوج خود رسید. این کشمکش و خانه جنگی تا سال 1978م دوام نمود البته در این دوره ثبات سیاسی نسبی در کشور حاکم بوده لیکن تسلط دوامدار یک قوم و قبیله خاص در تاریخ 300 ساله افغانستان، عنصر قومیت را یکی از پایه های سلطنت و قدرت در تاریخ سیاسی کشور قرار داده و سایر اقوام ساکن در کشور در قدرت سیاسی سهیم نبوده، زیرا قدرت همواره بطور یکجانبه و قهرآمیز در دست قوم و قبیله خاص بوده و این قوم و قبیله خاص حکومت افغانستان را حق مسلم خود میدانستند و بر مشارکت سایر اقوام در این کشور اعتنای نداشتند. و این مصادف با شرایطی بود که جهان، عصر ( دولت- ملت ) را تجربه میکرد که دولت- ملت تکیه بر عنصر ناسیونالیسم و هویت ملی است نه قومیت های چندگانه، و دولت نماینده ملت است نه نماینده یک قوم، معمولا ملت سازی به دو طریق صورت میگیرد طریق نخست از پائین به بالا یعنی اول ملت تشکیل می شود بعد دولت را به وجود می آورد مثل فرانسه، طریق دوم از بالا به پائین یعنی اول دولت به وجود میاید، بعد ملت سازی میکند مثل هند. افغانستان از نوع دوم است که متاسفانه دولتمردان و زمامداران در قسمت ملت سازی هیچ تلاشی نکردند. با آغاز تهاجم شوروی به افغانستان مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه روند صعودی داشته، که در سال های بین 1979 الی 2002 در حدود 30 فیصد از جمعیت کل افغانستان کشور را ترک گفته اند و دست به مهاجرت زدند. مهاجرت افغان ها طی دو دهه گذشته، یکی از بزرگترین مهاجرت ها بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. بعد از سقوط طالبان در سال 2001 و توافقات بن فصل جدیدی در تاریخ سیاسی کشور رونما گردید. برای اولین بار مردم افغانستان از یک نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم ( دموکراسی ) برخوردار شدند. لویه جرگه در 14 جدی 1382 قانون اساسی جدید را به تصویب رسانید، که در این قانون اساسی حقوق و آزادی های مردم به بهترین شکل ان تضمین شده بود، ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر، برگزاری انتخابات و سرازیر شدن میلیاردها دالر کمک های جامعه جانی این امیدواری را در بین مردم افغانستان بوجود آورد، که به زودی وضعیت اقتصادی، امنیتی و سیاسی بهبود پیدا کرده و حاکمیت قانون در کشور نهادینه خواهد گردید بسیاری از مهاجرین افغان عودت نمودند تا در باز سازی کشور شان سهیم شوند. متاسفانه برخلاف امیدواری مردم افغانستان، دولت مردان کشور نتوانستند از کمک های جامعه های در باز سازی زیر بناهای کشور استفاده نمایند. عدم حاکمیت قانون، عدم حکومت داری خوب، فساد اداری، نداشتن تعریف مشخص از منافع ملی، نداشتن پالیسی مشخص، از مشخصه های حکومت پسا طالبان است. عوامل فوق نقش مستقیم بر مهاجرت های اخیر جوانان به اروپا داشت.

**عوامل اجتماعی :** عدالت اجتماعی امروز در افغانستان بیش از هر زمانی دیگر یک ضرورت مهم و حیاتی به شمار میرود ، چون ما در جهانی زندگی میکنیم که حق خواهی محور هستی آدمیان را می سازد ، سر نوشت بشر در جهان کنونی طوری رقم خور ده است که نمی تواند تماشاگر محص باشند و سر نوشت شان را کسانی دیگر در غیاب شان رقم بزنند . افغانستان به دلیل جنگ های پی در پی به یکی از کشورهای بی ثبات و بحران زا تبدیل شده و شهر وندان آن امروز محروم ترین مردم جهان را تشکیل میدهد . فقر، بی سوادی ، ناامنی ، بی کاری ، عدم انکشاف متوازن و مداخله کشور های دور و نز دیک در این جغرافیا از عمده ترین مشکلات مردم این کشور محسوب میگردد . بعد از فروپاشی طالبان ، افغانستان در محراق توجه جهانیان قرار گرفت و 70 میلیارد دالر کمک های جامعه جهانی به این کشور سرازیر شدند . ولی هنوز هم

افغانستان از لحاظ نامنی، فساد، جنگ و انتحار، بی سوادی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و غیره در صدر کشور های جهان قرار دارد. هنوز هم سالانه هزاران جوان از رفتن به دانشگاه ها و تحصیلات عالی باز می مانند، در بسیاری از مناطق کشور شهروندان کشور دسترسی به آب آشامیدنی، مکتب، برق و سرک ندارند. هنوز در کشور فقر، بیکاری، بی عدالتی و تبعیض، واسطه بازی بیداد میکند، با وجود کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژ مبارزه علیه فساد اداری، فساد در ادارات به قوت خویش باقی مانده است، کارمندان ادارات دولتی و خصوصی بر اساس واسطه، زور و رشوه دادن استخدام می شوند نه بر اساس لیاقت و شایستگی و بدین طریق افراد ضعیف و غیر مسلکی در پست های کلیدی جابجا می شوند و افراد متخصص و مسلکی بیکار مانده و از ناچاری راه مهاجرت اروپا یا کشور های همسایه را در پیش میگیرد.

**عوامل اقتصادی:** افغانستان از لحاظ منابع طبیعی غنی و از لحاظ جغرافیایی و جیوپولوتیکی دارای اهمیت خاص است که می تواند آسیای میانه را به آسیای جنوبی و چین را به آسیای غربی وصل نماید، همچنان می تواند مرکز ثقل اقتصاد منطقه و همکاری های منطقه ای باشد، اما استفاده از منابع طبیعی و موقعیت جیوپولیتیک نیاز به ثبات سیاسی، تامین امنیت وزیر ساخت های اساسی مانند شاهراه ها، خط آهن، برق و غیره دارد که نیاز به برنامه های بلند مدت دارد. رشد اقتصادی کشور در سایه ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، تامین امنیت و نوسازی زیر بناهای کشور امکان پذیر است در غیر آن سرمایه گذاران داخلی و خارجی ریسک سرمایه گذاری در کشور را نخواهد کرد. که متأسفانه هنوز دولت شرایط مناسب را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی مهیا ننوانسته و از طرفی دیگر کاهش منابع مالی و عدم توجه دولت به زراعت و مالداری، نبود کارخانه جات و فرصت های شغلی برای جوانان، بروز حوادث طبیعی چون خشک سالی و سیل و عدم انکشاف متوازن در امر توسعه ولایات باعث افزایش بیکاری و فقر گردیده است. فقر و بی کاری، زمینه مهاجرت های گروهی و فردی افغان ها را از کشور فراهم نموده و سالانه هزاران مهاجر افغانی راهی کشورهای خارج میشود.

**عوامل امنیتی:** صلح و امنیت آرزوی دیرینه همه مردم افغانستان است و بدون آن هیچ پیشرفت و ترقی در این کشور حاصل نمی شود. در حقیقت امنیت و صلح تهداب ترقی و پیشرفت یک کشور است، پیشرفت های اقتصادی، تجارتي و استفاده از منابع طبیعی زیر زمینی فقط در سایه امنیت امکان پذیر است. متأسفانه تا هنوز نه دولت حامد کرزی و نه دولت وحدت ملی قادر به تامین امنیت و آوردن صلح برای مردم کشور نه شده است، دلایل هم روشن است افغانستان جغرافیای مساعد برای تخلیه ای، سرریز امنیتی کشورهای همسایه و منطقه است. در روابط بین الملل طبیعت کشور ها است که مشکلات خود را دور بسازند، سرریز امنیتی خود را جایی بریزند که همانجا مساعد است و افغانستان فعلاً محیط مساعد برای ریختن این سرریز است. در افغانستان یک جنگ استخباراتی بین قدرت های جهانی و منطقه ای جریان دارد که مانع بزرگیست در راه به وجود آمدن صلح و امنیت. تامین امنیت شهروندان یکی از وظایف حکومت است که متأسفانه هنوز امنیت در این کشور تامین نه شده و هرروز شاهد کشته و زخمی شدن هموطنان خود در گوشه و کنار کشور هستیم. وضعیت بد امنیتی، قدرت گرفتن طالبان در بعضی ولایات و ظهور داعش در بعضی ولایات یکی از دلایل عمده مهاجرت های اخیر افغان ها به اروپا می باشد.

**سایر عوامل :** عوامل ترغیب کننده دیگری که در مهاجرت های اخیر نقش داشتند عبارت هزینه پائین رفتن به اروپا یعنی یک شخص میتوانست از افغانستان باهزینه 2500 الی 3000 به اروپا برسد ، تبلیغات قاچاقبران برای رساندن شخص با ضمانت ، رقابت بعضی خانواده ها در داشتن یک یا چند عضو خانواده در خارج و هم چنان بعضی جوانان به خاطر تحصیل و عملی کردن رویاهای شان مهاجرت در اروپا را در پیش گرفتند .

منابع:

- 1- پوپل ، عبدالباقی ( 1388) تاریخ تمدن های قدیم شرق
- 2- رحیمی ، محمد عیسی (1388) افغانستان و حکومت آینده
- 3- جواد ، حیات الله ( 1395 ) دلایل مهاجرت اخیر افغان ها به اروپا
- 4- موحدی ، علی رضا (1394) مهاجرت فرصت ها و چالش ها

تهیه و ترتیب : شیرخان مرادی